

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: الکس ایمونز Alex Emmons

برگردان از: پیام

۲۴ نومبر ۲۰۱۶

پانزده سال پس از ۱۱ سپتمبر، جنگ بی پایان...

در روزهای پس از ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ و حملات تروریستی، یعنی زمانی که کنگره به استفاده از نیروی نظامی علیه کسانی رأی داد که این هواپیما ربائی ها را "سازمان داده"، به آن "مجوز داده" در انجام آن شرکت کرده و یا به آن یاری رسانده بودند، اندک شمار امریکائینی بودند که می توانستند تصور کنند که این شکار انسان ها از غرب افریقا تا فیلیپین را در نورد و طول دو دوره ریاست جمهوری را در برگیرد.

امروزه درگیری نیروی نظامی امریکا در خاورمیانه، بیش از پیش دائمی به نظر می رسد. علی رغم آن که کاخ سفید رسماً به جنگ‌های عراق و افغانستان پایان داده، هزاران نفر از نیروها و پیمانکاران امریکائی همچنان در این دو کشور حضور دارند. امریکا با سرعتی بیش از سرعت تولید بمب، بمب بر سر مردم عراق و سوریه فرو می ریزد. براساس آن چه که خود پنتاگون می‌گوید، برای بمباران های امریکا در لیبیا "در این لحظه خاص هیچ پایانی متصور نیست". ایالات متحده همچنین علاوه بر حملات هوائی گاه و بیگاه در یمن و سومالی، به نیروهای سعودی در جنگ شان در یمن یاری می رساند.

پانزده سال پس از حملات ۱۱ سپتمبر، به نظر می رسد که جنگ علیه ترور هنوز در نقطه آغازینش قرار دارد. ریزش نیروهای امریکائی در عراق و افغانستان تنها نشان داده که این جنگ چه دستاورد اندکی داشته و چه ویرانی عظیمی را به بار آورده است.

هم اینک در افغانستان، طالبان سرزمین های بیشتری را نسبت به هر زمانی پس از سال ۲۰۰۱ در کنترل خود دارد. یک بررسی در سال ۲۰۱۶ نشان می دهد که بیش از ۹۰ درصد جوانان عراقی، ایالات متحده را "دشمن" کشور خویش به شمار می‌آورند.

دولت اسلامی که به طور وسیعی با تجاوز امریکا به عراق به وجود آمد، مناطق وسیعی را در عراق، سوریه و لیبیا در کنترل خود دارد و نشان داده که توانائی و جسارت لازم برای هماهنگ کردن حملاتش در اروپا را دارد. "جان برنان" رئیس سیا (CIA) در ماه جون به کنگره گفت که "علی رغم تمامی پیشرفت‌هایی که در قلمرو جنگی و مالی در مقابله با دولت اسلامی داشته ایم، این تلاش‌ها، توانائی و دسترسی جهانی این گروه تروریستی را کاهش نداده است".

القاعده، دشمن اولیه، با وجودی که امروز، مناطقی را در یمن و سومالی کنترل می‌کند، اما دیگر هدف اصلی نیست.

به عنوان مثال، جنگ پشتیبانی شده توسط آمریکا در یمن، در طول یک سال منجر به چهار برابر شدن نیروی نظامی القاعده در شبه جزیره عربستان شد (خطرناک ترین شاخه القاعده). آمریکا همچنان به رساندن سلاح به شورشیان سوری ادامه می دهد، علی رغم این واقعیت که بسیاری از این سلاح ها و مهمات به دست یکی از گروه‌هایی که سابقاً وابسته به القاعده بوده، رسیده است.

جنرال بازنشسته "دیوید پتراس" فرمانده پیشین نیروهای امریکائی در عراق و افغانستان، خاطر نشان کرده که برای مقابله با دولت اسلامی، راهی بهتر از مستقیماً مسلح کردن القاعده وجود ندارد.

این جنگ پانزده ساله، علی رغم آن که هیچ پیشرفتی نداشته اما به هزینه وحشتناکی منجر شده است. آمریکا نزدیک به ۲۳۰۰ نفر از نیروهایش را در افغانستان و حدود ۴۵۰۰ نفر را در عراق از دست داده است. صدها هزار نفر نیز برای همیشه آسیب دیده و یا معلول شده‌اند، این آمار حداقل ۶۹۰۰ نفر تلفات پیمانکاران و حداقل ۴۳۰۰۰ سرباز افغان و عراقی را که جانشان را از دست داده‌اند، در بر نمی گیرد. آمار واقعی تلفات کشورهای مورد هجوم در دسترس نیست. اما محافظه کارانه ترین آمار شامل صدها هزار تا بیش از یک میلیون نفر است.

به این آمار باید صدها نفری را که در بازداشتگاه‌های امریکائی مورد شکنجه قرار گرفته‌اند و هزاران نفری را که توسط هواپیماهای بدون سرنشین امریکائی در یمن، پاکستان و سومالی کشته شده‌اند، اضافه کرد. هزینه مالی جنگ علیه ترور غیر قابل محاسبه است. جنگ‌های عراق و افغانستان، با در نظر گرفتن هزینه‌های درمانی نیروهای نظامی حدود ۴ تریلیون دلار برای اقتصاد آمریکا تمام شده است. بودجه‌های اطلاعاتی تقریباً دو برابر شده و علاوه بر آن ۸۰۰ میلیارد دلار صرف تأمین "امنیت داخلی" شده است.

میلیاردها دلار در پروژه‌های بی ثمر حیف و میل شده که یکی از نمونه‌های آن برنامه ناموفق نصب دستگاه‌های سنجش تشعشعات اتمی در فرودگاه‌ها بود که بیش از ۲۳۰ میلیون دلار روی دست دولت آمریکا گذاشت. اداره امنیت داخلی بیش از ۱.۱ میلیارد دلار را صرف تأسیس حصارهای مجازی از سنسورهای کامپیوتری در طول مرز مکزیک کرد و پس از صرف این هزینه از اجرای طرح صرف نظر کرد. از این دست نمونه‌ها فراوان است. سیا (CIA) به یک پیمانکار ۲۰ میلیون دلار پرداخت کرد تا برنامه‌ای برای کشف پیام‌های تروریستی کُنگذاری شده در فرستنده تلویزیونی الجزایر بسازد. سال گذشته نیز پنتاگون ۴۳ میلیون دلار برای ایجاد یک پمپ بنزین در افغانستان هزینه کرد. به دو پیمانکار مشاوره روانی ۸۰ میلیون دلار برای طراحی برنامه شکنجه سیا (CIA) پرداخت شد. پس از پانزده سال جنگ، تنها برندگان جنگ علیه ترور، پیمانکاران بوده‌اند.

در داخل کشور، جنگ علیه ترور به یک کابوس قانون اساسی تبدیل شده است. ایالات متحده سیاست بازداشت نامحدود مظنونین به ترور را در پیش گرفته است. ادارات پولیس در سرتاسر کشور دستگاه‌های نظامی جاسوسی را محرمانه وارد می‌کنند. دادگاه‌ها حکم داده‌اند که خانواده‌ها نمی‌توانند برای خارج کردن نام فرزندان شان از لیست اعدام، دولت را به دادگاه بکشانند.

ادوارد سنوودن که از برنامه ریزان NSA بود فاش کرد که ایالات متحده از نظر جاسوسی علیه شهروندان، به بزرگترین در میان دولت‌های جهان در طول تاریخ تبدیل شده است. در مبارزات انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ به خاطر آن که اوباما در تحت تعقیب قرار دادن دست اندرکاران اصلی برنامه‌های شکنجه دوران بوش شکست خورد، شکنجه به یکی از خطوط اصلی تشویق یک حزب تبدیل شده است.

بمباران کشورهای متعدد خاورمیانه به امری کاملاً عادی بدل شده و بیشتر اوقات حتی گزارش هم نمی‌شوند. به عنوان مثال در اول اگست همین امسال یعنی روزی که کابینه اوباما بمباران جدیدی را علیه داعش در لیبیا اعلام کرد،

روزنامه نگاران امریکائی آن قدر درگیر مبارزات انتخاباتی بودند که جنگ جدید هیچ بازتابی در خبرهای شان نداشت. تمامی این‌ها بر جنگی سایه می افکند که می تواند ۱۰، ۲۰ و یا حتی ۵۰ سال به درازا بکشد. همچنان که ایالات متحده ستراتیژی نظامی اش را به سمت بمباران و خودداری از پیاده کردن نیرو سوق می دهد، گزارش رسانه‌ها از جنگ هم کمتر و کمتر می‌شود و همین راه را هموار می کند تا وضعیت جنگی دائمی را که در آن قرار داریم به فراموشی سپرده شود.

اما بعید است که قربانیان خشونت های امریکا آن را فراموش کنند و همین‌ها هستند که نیروی بالقوه بی پایانی از دشمنان جدید را فراهم می کنند.

۱۱ سپتمبر ۲۰۱۶

زیرنویس:

(*)

به نقل از : پیام فدائی ، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۲۰۸ ، مهر ماه [میزان] ۱۳۹۵